

نمونه موردی: باهمستان‌های بافت کهن و تاریخی کرمان

احراز هویت در باهمستان‌های بافت‌های کهن و تاریخی شهری

دکتر سید علی سیدیان، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
شهرام بذرگری، کارشناس ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت
حسن بن جواد طالبی، کارشناس ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت

چکیده

که نقش عمده‌ای در عدم احراز هویت جمعی در بافت‌های فوق‌الذکر به‌طور اعم و باهمستان‌های آن به‌طور اخص داشته است.

واژگان کلیدی

احراز هویت، توانمندسازی، نهادسازی، ظرفیت‌سازی، باهمستان‌های بافت‌های فرسوده و کهن شهری.

مقدمه

با نگاهی به شهرهای امروز می‌توان دریافت که در بستر این جامعه بشری نمی‌توان ارزش‌هایی بالاخص اجتماعی در حوزه روابط اجتماعی و مراودات شهروندی خاصه در باهمستان‌ها و محلات شهری یافت که اساس شهرهای سنتی را تشکیل می‌دهد. شهرهای امروز در بستر گونه‌ای جامعه انسانی شکل می‌گیرند، حال آنکه شهرهای سنتی دارای ساختار اجتماع انسانی بوده‌اند، چنان‌که جامعه انسانی سرد و اجتماع انسانی گرم است و همین اتحاد معنادار محله‌های شهرهای سنتی به مثابه اجتماعی انسانی است که هویت بخش شهرهای سنتی ایران به‌شمار می‌رفته است و امروزه نیازمند دست‌یابی مجدد و استحصال دیگر باره است.

شهر امروز شهری بی‌هویت و بی‌اصالت وجودی قلمداد می‌شود که دیگر از تعاملات سازنده اجتماعی در آن خبری نیست و همسایه از همسایه خبر ندارد. شهر امروز ریشه‌های اصیل و درون‌بودی خویش را از دست داده است و به کلان‌شهری که تنها عرصه "زنده بودن" و نه "زندگی" است، تبدیل شده است. تردیدی نیست که

هویت هر شهر مجموعه‌ای از عناصر شناختی و ماهوی است که امکان شناسایی و انبساط خاطر را فراهم می‌کند. از سویی دیگر هویت یک شهر، خاصه در بافت‌های کهن و تاریخی و یا بافت‌های قدیمی در بستر مرادده اجتماعی و تعاملات ساکنان محلی و نوع و میزان ارتباط آنها با یکدیگر است. در واقع باید گفت بخشی از هویت موجود در بافت‌های کهن شهری هویت اجتماعی است که در ساختار شهرهای سنتی دیده شده است و در حال حاضر در حال افول و کمرنگ‌شدن است.

در نوشتار حاضر منظور از هویت این جنبه از هویت است که می‌بایست در روند برنامه‌ریزی باهمستان‌ها (محلات) در یک بافت تاریخی و کهن شهری مورد نظر قرار گیرد. فرض تحقیق بر وجود چنین هویتی است که زمینه‌ساز شکل‌گیری هدف این نوشتار یعنی ارتقای میزان این جنبه هویت، که تأثیری اساسی در مفهوم سرمایه اجتماعی نیز دارد، بوده است.

رویکرد پژوهش حاضر رویکردی اکتشافی در روش تحقیقی توصیفی و تحلیلی است که از پیمایش و نظر سنجی در باهمستان‌های بافت‌های تاریخی و کهن شهر کرمان بهره‌برده است. نتایج تحقیق حاضر نشان از آن دارد که هرچند وجود روابط اجتماعی گرم‌تر در مفهوم رایج جامعه‌شناختی آن (تفاوت گزلفافت و گماینشافت) در این بافت‌ها قابل درک است، ولی این مفاهیم در حال اضمحلال و فراموشی است



است که باهمستان‌های شهری خاصه در بافت‌های تاریخی و کهن شهری، دارای ساختی اداری و اجتماعی شوند که یادآور محلات قدیم و انجمن معتمدان و ریش سفیدان محلی است. زنده سازی مفهوم شورای اسلامی شهر در قالب محلات شهری موجود در بافت‌های تاریخی و کهن شهری به‌طور اخض و در کل ساختار شهری به‌طور اعم، می‌تواند عنصری گره گشا در بهبود ساختار مدیریتی شهر باشد که بهبود کیفیت زیست محیطی در سطح محلات شهری را نیز به‌همراه دارد. این تحقیق با نمونه‌گیری موردی از شهر مربوط از طریق پرسش‌نامه بر آن است که آیا می‌توان دیگر باره مفهوم محلات شهری و باهمستان‌ها در بافت‌های تاریخی و کهن شهری را به‌عنوان عنصری هویت ساز در ساختار شهر مطرح کرد و چگونه می‌توان محلات شهری را در حال و هوای امروز (با وجود گذشت زمان) به‌وجود آورد و تأثیر فرایندهای مشارکتی از دیدگاه شهروندان و ساکنان چنین محلاتی چگونه است و یا آیا تمایلی به مشارکت‌های محلی و زنده سازی محلات شهری در این نواحی وجود دارد؟ دستیابی به این مهم نه تنها از طریق شهرسازی صرف بلکه مستلزم ارتباط و پیوستگی این عمل با تحقیقات علوم اجتماعی و مردم‌شناسی است.

روش تحقیق

روش تحقیق پیمایشی از نوع توصیفی است که با به‌کارگیری تمامی منابع و اسناد موجود و مطالعات کتابخانه‌ای از پرسش‌نامه نیز برای تعمیم و توصیف استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز

معماری و شهرسازی اصیل ایرانی بر بایست ارزش‌هایی استوار بوده است که هنوز پس از گذشت سالیان متمادی می‌تواند چنان بر دل نشیند که روح و روان آدمی را مرهمی باشد و علاوه بر پاسخ‌گویی به جنبه‌های عملکردی سراچه دل را آذینی دوباره بخشد؛ فضایی که به‌قول هولدرلین انسان در آن شاعرانه می‌زید. بر این اساس است که نمی‌توان از ساختار شهری بی‌هویت امروز انتظار هویت سازی در اقصای اجتماعی و خاصه جوانان را داشت و چنین است که انقطاع فرهنگی، بی‌هویتی و از خود بیگانگی فرهنگی واژگانی است که در ساختار فرهنگی مشهود است و در معماری و شهرسازی به‌وفور به‌چشم می‌خورد.

در هر صورت در مورد فضاهای فاقد ارزش در معماری و شهرسازی امروز تردیدی نیست و بایستی بر ارزش آفرینی فرهنگی و هویت سازی در ساختار باهمستان‌ها و محلات شهری همت گمارد. تکامل این ارزش‌ها می‌تواند هویت بخش ساختار شهری ایران به‌شمار رود؛ هویتی که از تکرار مستمر الگوهای خاص از رویدادها در مکانی خاص ناشی می‌شود. این‌گونه است که محلات شهری در فرایند برنامه ریزی شهری دارای جایگاه ویژه‌ای هستند که می‌توانند معنا بخش ساختار هویتی جدید برای شهر امروز قلمداد شوند. بهره‌گیری از رویکرد شهرسازی مشارکتی در محلات شهری می‌تواند علاوه بر حل بسیاری از مشکلات شهر موجود عنصری اساسی در هویت سازی شهر به‌شمار آید. بدیهی است که این امر تنها در صورتی امکان پذیر

در سطح آمار توصیفی است و از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نمونه گیری به صورت تصادفی و حجم نمونه خانوار ۵۰ نفر انتخاب شده است. خانوارها در مناطق گوناگون شهر (چه دارای ساخت محله‌ای و چه غیر آن) انتخاب شده‌اند.

مفهوم هویت و تدوین نقش محلات شهری

ششمین کنفرانس اجماع و پژوهش در شکل یابی هویت (SRIF، ۱۹۹۹) گفتگویی در معنایابی برای هویت را در بر گرفت تا امکان ارائه تعاریف مناسبی را فراهم کند ولی نتوانست به یکپارچگی در معنایابی و مفهوم واژگان هویت منجر شود. ربر (۱۹۸۵) هویت را مفهومی ذهنی و انگاشتی فردی می‌داند که فرد خویشتن را با آن می‌انگارد و یا تلاش می‌کند تا آن گونه جلوه دهد. بارون وبرون (۱۹۹۷) هویت را شاکله‌ای ذهنی و روان‌شناختی می‌داند که بر نحوه رفتار انسان اثر می‌گذارد و با تغییر زمینه اجتماعی دچار دگرگونی می‌شود. بر این اساس است که شهر بی هویت انسان‌های بی‌هویت به وجود می‌آورد و تنها از رویکرد شهرسازی نمی‌توان بازخوانی مفهوم هویت را در ساختار شهر ممکن کرد، چراکه عملکرد شهرسازی به‌عنوان یک تسهیل‌کننده نمی‌تواند به وجود آورنده شاکله‌ای باشد که محلات شهری را شکل می‌دهد. این امر به آن دلیل است که زیربنایی که می‌بایست روینا در آن ساخته شود وجود ندارد و محلات شهری به صورت کالبدی شکل می‌گیرند و در حقیقت یک جسم هستند و روح در آنها وجود ندارد. مارشال (۱۹۹۲) ناهماهنگی در تعاریف هویت را از آن رو می‌داند که هویت دارای سازواره‌ای است که دارای اجزای متعدد است و به این دلیل تبیین دقیق هویت و همگونی میان تعاریف دچار چالشی فراگیر می‌گردد. بر این اساس تجربه گران‌قدر شهرسازی سنتی و غنی ایرانی بایستی مورد استفاده قرار گیرد و باید به جای دنبال راه حل بودن، نمونه‌هایی را به کار بست که راهکارها در آن موجود است که چیزی جز معماری و شهرسازی سنتی و اصیل ایرانی نتواند بود. بنابراین عاقلانه به نظر می‌رسد به جای گم شدن در وادی انگاره‌ها و خیال‌ها که شاید پاسخ مطلوب نباشد، به غنای فرهنگی در معماری و شهرسازی سنتی و کهن ایرانی پرداخت و با شناسایی جدید و شاید مبتنی بر اجتهاد از متن شهرسازی کهن، راهکارهای مداخله مطلوب را ارائه کرد. این راهکارها خود را در مفهوم محلات شهری و نقش آنها در هویت فرهنگی در ساختارهای اجتماعی جلوه می‌دهد. اریکسون (۱۹۶۵) نیز کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان تصور فرد از خویشتن به عنوان فردی بی‌نظیر و دارای ثبات در رویارویی با دیگران می‌داند. کلاب (۱۹۶۹) نیز به این نکته اشاره دارد که هویت تمامی آنچه را در بر می‌گیرد که در گذر زمان و به صورت معتبر و خودبسنده به فرد انتساب داده می‌شود و در این مضمون است که یک محله شهری با محله شهری دیگر دارای تمایز و تفاوت می‌شود. واترمن (۱۹۸۲) با بهره‌گیری از پژوهش‌های آدامز و فیچ (۱۹۸۶) و مونر و آدامز (۱۹۷۷) به مراحل تحول هویت اشاره می‌کند که در حال چرخش و دگردیسی در مراحل هویتی سردرگم زود هنگام و مهلت خواه است.

فرهنگ را نمی‌توان مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه دانست (تایلور به نقل از کورز، ۱۳۷۸، ص

۴۰۱) که مبتنی بر ارزش‌هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۵). هویت نظام‌هایی نمادین از گنجینه‌هایی شناختی از یک اجتماع است که به دست نسل‌های پیشین استوار می‌شود و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار می‌دهد (نولان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). نکته قابل تعمق در این مفهوم این است که امروزه به فرد اجازه داده نمی‌شود که تعریف اجتماعی خویش را انجام دهد و تعریف مردم شناسانه نیز صورت نگرفته است. از این روی است که در شهری مثل تهران افراد می‌گویند اهل تهران هستند و کسی مثلاً نمی‌گوید اهل تجریش یا جنت آباد است. در شهر امروز دیگر این تمایز و تفاوت معنادار بین شهر دیده نمی‌شود و تمامی ساختار شهر دارای نوعی کسالت همسانی و همگونی است، گویی دیگر هویت مشخص و متمایزی دیده نمی‌شود. معماری را بایستی ماکتی از تاریخ و گذشته دانست که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی یک قوم، فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می‌نمایاند. این مهم با ذکر این نکته ادراک می‌شود که با حرکت در فضاهای سنتی ابنیه و شهرسازی کهن ایرانی شوری خودبانی و صیانتی نفسانی به انسان دست می‌دهد که در قالب شادابی و سرزندگی فضایی خود را می‌نمایاند و به تعبیر لنینج سیمای شهر را رقم می‌زند که به دیده می‌آید، به ذهن سپرده می‌شود و سبب شادی و انبساط خاطر می‌گردد (لینج، ۱۳۸۱، ص ۵). بر این اساس است که هویت معماری و شهرسازی را همان ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر ابنیه و شهرسازی سنتی ادراک می‌شود، چرا که معماری یا ساختار شهری به آن دلیل شکل می‌گیرد که ارزش‌ها را در خویش بیوراند و صورتی کالبدی برای آنها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می‌نمود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشتر از مشتت خشت و خاک نمی‌نمود. این نکته بر این دلالت دارد که معماری و خاصه شهرسازی دارای رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در ذات خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت بخش در ساختار فرهنگی شمرده شود. این مهم جز از طریق نگاه هم‌زمان به تهدیدهای ساختار موجود و تبدیل آن به فرصت‌های آتی ممکن نخواهد شد. نکته قابل تعمق در این است که هویت یک شهر تنها از طریق شناخت و ارزیابی توانمندی مردم در تشکیل محلات درون شهری ممکن می‌شود. این محلات شهری هستند که امکان تعامل و مراودات اجتماعی را ممکن می‌کنند و بستری برای جریان زندگی و نه زنده بودن در ساختار شهر می‌شوند. امروزه مردم بر این باورند که شهر برای کسانی است که آنها را نمی‌شناسند و همین نشناختن مالک حقیقی شهر است که موجب عدم توجه مردم به شهر و بی‌هویتی فزاینده در مفاهیم اجتماعی آن می‌شود. هیچ حالی بدون گذشته وجود ندارد و هیچ آینده‌ای بدون حال شکل نمی‌گیرد. ما خواسته یا ناخواسته همانند آبا و اجداد خویش هستیم و فرزندان ما نیز مانند ما می‌شوند، ولی آنچه ما را از آنها جدا می‌کند زمان است که همان مفهوم معاصر سازی است. شهر نیز پدر و مادری دارد که گذشته آن است و اگر آنها را نفی کند دیگر هویتی ندارد، همان‌گونه که اگر ما آبا و اجداد خویش را نفی کنیم دیگر هویت نخواهیم داشت. شهر امروز هیچ گذشته‌ای ندارد و شهروند

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۱	۲۲	۲۴/۴
	موافق	۱۹	۳۸	۴۲/۲
	مخالف	۹	۱۸	۲۰
	کاملاً مخالف	۶	۱۲	۱۳/۴
	جمع	۴۵	۹۰	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۵	۱۰	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۱: احساس مالکیت به محله

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۸	۳۶	۴۲/۸۵
	موافق	۱۲	۲۴	۲۸/۵
	مخالف	۸	۱۶	۱۹
	کاملاً مخالف	۴	۸	۹/۶۵
	جمع	۴۲	۸۴	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۸	۱۶	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۲: اعتماد به همسایگان محلی

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۲۳	۴۶	۵۰
	موافق	۱۷	۳۴	۳۶/۹۵
	مخالف	۴	۸	۸/۷
	کاملاً مخالف	۲	۴	۴/۳۵
	جمع	۴۶	۹۲	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۴	۸	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۳: اهمیت دادن به اینکه چه کسی همسایه شود

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۶	۳۲	۳۴/۸
	موافق	۱۸	۳۶	۳۹/۱
	مخالف	۸	۱۶	۱۷/۴
	کاملاً مخالف	۴	۸	۸/۷
	جمع	۴۶	۹۲	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۴	۸	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۴: احساس مسئولیت به همسایگان

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۲	۲۴	۲۷/۳
	موافق	۲۰	۴۰	۴۵/۵
	مخالف	۸	۱۶	۱۸/۲
	کاملاً مخالف	۴	۸	۹
	جمع	۴۴	۸۸	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۶	۱۲	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۵: تمایل و اعتماد به بزرگان و ریش سفیدان محله

فرلمی تأسیب چه بایر رجوع کند

بر این اساس است که گذشته و سنت شهر می تواند هویت بخش آن باشد. گذشته شهرسازی ایران نیز در قالب محلات شهری و مفهوم معتمدان و ریش سفیدان محلی شکل گرفته است و می بایست با بهره گیری از این مفهوم به بازخوانی هویت در ساختار شهری امروز پرداخت. بی شک راهکارهای مداخله در ساختار شهری امروز تنها از طریق همین شناخت و بازیابی مفهوم محلات شهری در بافت های کهن شهری ممکن می شود که می تواند عنصری برای هویت سازی نیز به حساب آید. در این پژوهش میدانی نیز به بازخوانی هویت اجتماعی از طریق محلات بافت های کهن شهری و نقش آنها در ساختار شهر پرداخته می شود و از طریق پرسش نامه سعی شده است تا مفهوم هویت و نقش آنها در چارچوب هویت آفرینی مورد ارزیابی قرار گیرد و ضرورت بازنگری در سیاست ها و راهکارهای برنامه های شهری یادآوری شود.

بررسی یافته های تحقیق

در راستای تدوین جایگاه محلات در هویت سازی شهری ضروری به نظر می رسد که از طریق ظرفیت سازی در سطوح محلی نهادسازی و توانمند سازی راهکارهای مداخلاتی کارآمد و مؤثری را فراهم کرد تا با بهره گیری از مشارکت های شهروندی در سطوح محلی بتوان علاوه بر بهبود کیفیت زندگی و مدیریت شهری، امکان احراز هویت شهری را نیز فراهم کرد. بر این اساس سه مرحله اساسی الزام آور است که محور این تحقیق را نیز در بر می گیرد.

ظرفیت سازی

از آنجا که ظرفیت سازی در سطوح محلی نیازمند احساس مالکیت شهروندان و برانگیزش اعتماد همسایگان در همکاری چند جانبه است، بایستی تلاش شود تا ظرفیت های موجود محلی شناسایی شود و با استفاده از این توانمندی های محله ای آنها را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کرد. این امر تنها از طریق کنترل و هدایت احساس مالکیت محله ای و انگیزاننده های فردی ممکن می شود. محلات شهری خاصه در بافت های کهن شهری این ظرفیت درونی را برای احراز و بازخوانی هویت سازی شهری دارند و همین نکته محور اساسی در ظرفیت سازی محلات شهرهای موجود به حساب می آید.

در این راستا از شهروندان پرسیده شد: آیا نسبت به محله خود احساس مالکیت می کنید؟ در پاسخ ۶۶/۶ درصد شهروندان اظهار داشته اند که محلات را متعلق به خود می دانند. بنابراین ضروری به نظر می رسد که علاوه بر استفاده از شهروندان موافق راهکارهایی را برای گسترش این احساس مالکیت در دیگر ساکنان محلی نیز به اجرا در آورد. به طور حتم این ظرفیت سازی محله ای وابسته به اعتماد به همسایگان است که از احساس مسئولیت ساکنان محله به محله و همسایگان سرچشمه می گیرد.

در پاسخ به این پرسش که آیا به همسایگان خود اعتماد دارید نیز بیش از ۷۰ درصد شهروندان اظهار اعتماد کرده اند که نشانگر وجود ظرفیت های بالایی برای تدوین نقش محلات در هویت سازی شهری محسوب می شود. همچنین ۸۷ درصد شهروندان اظهار داشته اند که برایشان اهمیت دارد که چه کسی همسایه آنها می شود و ۷۴ درصد

نیز بیان کرده اند که به محله و همسایگان خود احساس مسئولیت می کنند. این امر نشانگر این نکته نیز هست که می توان با تقویت ظرفیت های موجود و یا ظرفیت سازی جدید در روابط و منابع محلی در همه جنبه های انسانی و مالی باعث تقویت نقش محلات شهری در اداره ساختار شهری شد.

نهادسازی

در هر فرایند بهسازی وجود نهادهای درونی ضروری به نظر می رسد. این امر در فرایندهای تولید برنامه یا مداخلات احتمالی در ساختار شهری با توجه به رویکردهای جدید در شهرسازی مشارکتی دارای الزام بیشتری است. با نگاهی به روند مدیریتی شهری در جهان و شوراهای اسلامی شهر و روستا می توان دریافت که بهبودی چشمگیر در اداره ساختار شهری دیده می شود، در حالی که تنها به واسطه چند نماینده در شوراهای نمی توان معطوف به حل مشکلات در تمام مناطق و محلات شهری شد. بر این اساس در راستای تدوین جایگاه محلات شهری در هویت سازی شهری می بایستی نهادسازی در سطوح محله ای صورت گیرد که این رویکرد در سال های اخیر در ایران مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین ضروری به نظر می رسد که نهادهایی در سطوح محلی و با وظایف قانونی مشخص تشکیل شوند تا بتوان امکان قرار گیری محلات شهری را در جایگاه بنیادی آنها فراهم کرد.

از آنجا که تشکیل این نهاد معطوف به اعتماد و تمایل مردم به بزرگان و معتمدان و ریش سفیدان محلی است از شهروندان پرسیده شد آیا به معتمدان و ریش سفیدان محله خود اعتماد دارید و به آنها در حل مسائل محله مراجعه می کنید؟ در پاسخ بیش از ۷۳ درصد شهروندان از توانایی معتمدان و ریش سفیدان محله خشنود بوده اند و به جایگاه آنها در محله اعتماد دارند. اعتماد به نهادهای تشکیل شده نخستین گام برای تدوین جایگاه جدید محلات به شمار می رود. بر این اساس در سؤالی دیگر از شهروندان از تمایل ایشان به تشکیل شورای اسلامی محلات سؤال شد که ۸۳/۵ درصد اظهار تمایل کرده اند. این امر حاکی از آن است که زمینه لازم برای شکل گیری نهادهای محلی در شهر وجود دارد.

مشارکت سازی

پس از زمینه سازی نهادسازی محلی و ارزیابی تمایلات شهروندی به آن ضروری است که مردم جزئی اساسی در فرایند تولید برنامه باشند که طبیعتاً در اجرای برنامه های مأخوذه خودشان پیش قدم خواهند شد. مشارکت سازی اساسی ترین رویکرد در شهرسازی محسوب می شود که در آن شهروندان نه تنها کاربران طرح بلکه اجزای اساسی در سطوح تولید و اجرای برنامه به شمار می آیند.

بر این اساس در این بخش از شهروندان پرسیده شد آیا به مشارکت برای بهسازی محلات خود تمایل دارید؟ در این میان ۶۹ درصد شهروندان اظهار تمایل کرده اند. این امر نیز منطقی به نظر می رسد، اگر به این نکته توجه شود که شهروندان نسبت به محلات مسکونی خود بیش از دیگر نقاط شهر احساس مالکیت و لذا مسئولیت می کنند.

از سویی دیگر، از آنجا که مشارکت نیازمند همکاری منابع انسانی در سطوح محلی است از شهروندان درباره نقش احتمالی زنان و جوانان

جدول ۳: تمایل به شورای اسلامی محلات

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۲۱	۴۲	۴۳/۷۵
	موافق	۱۹	۳۸	۳۹/۶
	مخالف	۶	۱۲	۱۲/۵
	کاملاً مخالف	۲	۴	۴/۱۵
	جمع	۴۸	۹۶	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۲	۴	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۷: تمایل به مشارکت‌های مالی و فکری

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۶	۳۲	۳۲/۶
	موافق	۱۸	۳۶	۳۶/۷
	مخالف	۱۲	۲۴	۲۴/۴
	کاملاً مخالف	۳	۶	۶/۳
	جمع	۴۹	۹۸	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۱	۲	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۸: نقش مشارکت جوانان محله

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۸	۳۶	۳۹/۲۵
	موافق	۱۲	۲۴	۲۶
	مخالف	۱۰	۲۰	۲۱/۷۵
	کاملاً مخالف	۶	۱۲	۱۳
	جمع	۴۶	۹۲	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۴	۸	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۹: نقش مشارکت زنان محله

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۶	۳۲	۳۴/۸
	موافق	۱۴	۲۸	۳۰/۴
	مخالف	۸	۱۶	۱۷/۴
	کاملاً مخالف	۸	۱۶	۱۷/۴
	جمع	۴۶	۹۲	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۴	۸	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

جدول ۱۰: نقش مساجد و ارزش‌های دینی

		فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر فراوانی
معتبر	کاملاً موافق	۱۴	۲۸	۳۱/۱
	موافق	۲۱	۴۲	۴۶/۶
	مخالف	۶	۱۲	۱۳/۳
	کاملاً مخالف	۴	۸	۹
	جمع	۴۵	۹۰	۱۰۰
غیر معتبر	بی نظر	۵	۱۰	
جمع کل		۵۰	۱۰۰	

در اداره و بهسازی ساختار شهر پرسش شد. ۶۶ درصد شهروندان از نقش احتمالی جوانان اظهار خشنودی و در حدود ۶۵ درصد نیز مشارکت زنان را دارای اهمیت اساسی ارزیابی کرده‌اند. وجود همین درصدهای بالا در مشارکت جوانان و زنان می‌تواند نویدی برای توانمندسازی محلات شهری در احراز جایگاه جدید آنها باشد، که در ادامه به توانمندسازی نیز اشاره می‌شود.

توانمندسازی

از آنجا که توانمندسازی تنها با به‌کارگیری ظرفیت‌های ایجاد شده در سطوح محلی از طریق هماهنگی و مدیریت نهادهای محله‌ای در بستر مشارکت سازی در سطح محلات ممکن می‌شود، می‌بایستی از طریق شناخت ظرفیت‌های موجود و نیروهای نهفته در ساختار محلات شهری یا از طریق برانگیزاننده‌های ممکن تلاش کرد تا ساختار محلات را برای انجام وظایف جدید خود انسجام بخشید. این توانمندسازی از طریق برانگیزاننده‌های درونی یا بیرونی ممکن می‌شود. در این میان نقش ارزش‌های دینی و قدرت بر انگیزانندگی بالای آنها باید مورد توجه قرار گیرد، چنان‌که می‌توان جایگاهی جدید برای مساجد محله به‌عنوان پایگاهی جدید در توانمندسازی محلات متصور شد. در این بخش نیز پیرامون ارزش‌های دینی و نقش مساجد در اداره محلات شهر سؤال شد که بیش از ۷۷/۷ درصد نقش مساجد و ارزش‌های دینی را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

باهمستان‌های موجود در شهر به‌طور اعم و باهمستان‌های بافت‌های کهن شهری در ساختارهای سنتی شهر به‌طور اخص، از ویژگی‌های ذاتی و مکنون برخوردار شده‌اند که می‌توانند نقشی اساسی در خوانش دیگر باره هویت در شهرها داشته باشند. در واقع باید دانست که یک جنبه از هویت شهری به هویت اجتماعی شهروندان و ساکنان محلات یک شهر مربوط می‌شود که می‌تواند از طریق راهکارهای اجتماعی مورد ارتقا و برنامه ریزی قرار داده شود. این امر از آن جهت قابل تعمیم است که محلات یک شهر سنتی هویت تاریخی آن شهرها بوده‌اند که در وضع موجود همان محلات این هویت جمعی را از دست داده‌اند و دیگر رنگ و بوی گذشته و سنتی خود را که شکل دهنده حال و هوای ماهوی آن دوران بوده است، ندارند. در این پژوهش با چنین فرضی به امکان سنجی این مفهوم پرداخته شد که آیا بافت‌های کهن شهری در شهرهای موجود می‌توانند از طریق راهکارهای توانمندسازی، ظرفیت سازی و اعتمادسازی محلی مورد برنامه ریزی و راهبری قرار گیرند؟ در پاسخ نتایج تحقیق بر فرض موجود صحه می‌گذارد که می‌توان از طریق راهکارهای منعطف با رویکرد شهرسازی مشارکتی (اعتمادسازی، توانمندسازی، نهاد سازی و ظرفیت سازی) به این مهم دست یافت که همت والای برنامه ریزان و مسئولان را طلب می‌کند.

منبع

الکساندر، کریستوفر، «معماری و راز جاودانگی»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، با مقدمه مهدی حجت، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱
الیوت، جنیفر آ، «مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۷۸

امکچی، حمیده، «شهرهای میانی و نقش آنها در چهار چوب توسعه ملی»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳
پیرنیا، محمد کریم، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تدوین غلام حسین معماریان، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۸
حقیقت، عبدالفریح، «تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی»، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۹

رجایی، فرهنگ، «معرکه جهان بینی‌ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان»، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۷۳

روسک، جوزف و وارن، رولند، «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی»، ترجمه بهروز نبوی، تهران، نشر فروردین، ۱۳۵۵

سلطانزاده، حسین، «فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران»، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۰

شارون، جوقل، «ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹

شبیعه، اسماعیل، «مقدمه‌ای بر مبانی برنامه ریزی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰

کاستلز، مانوئل، «عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ»، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰

کلان، گوردن، «گزیده منظر شهری»، ترجمه منوچهر طیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

کوزر، لوئیس آلفرد، «نظریه‌های بنیادی جامعه شناسی»، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸

کوتل، ارنست، «هنر اسلامی»، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۸
کهن، گوئن، «شاخص شناسی در توسعه پایدار»، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۶

کیدنو، آنتونی، «جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹
محمودی نژاد، هادی، «معماری فراکتالی در شهر فراکتالی»، مشهد، نشریه «پیام مهندس»، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۸۵

محمودی نژاد، هادی و تقوایی، علی اکبر، «توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی»، تهران، نشریه «جستارهای شهرسازی»، تابستان ۱۳۸۵

معماریان، غلام حسین، «معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی برون‌گرا»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۱

نصر، سیدحسین، «هنر و معنویت اسلامی»، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی-هنر، ۱۳۷۵

نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد، «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کلان»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰

«مقالات سمینار تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۲

«رویارویی فرهنگ ایران و غرب در دوره معاصر»، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵

«مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه»، جلد دوم، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۳

«توسعه محله‌ای چشم انداز توسعه پایدار شهری»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۳

«همایش موازین توسعه و ضد توسعه فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۰.